

طب سنتی دوان

○ طب سنتی دوان

○ مؤلف: عبدالنبی سلامی

○ ناشر: نشر کازرونیه، تهران، ۱۳۸۱، ۳۶۴ ص

○ سیدحسین رضوی برقی

خواهیم داد: یکی معرفی اجمالی کتاب و دوم پیشنهادها و انتقاداتی که یادآوری آن شاید، هم برای نویسنده و هم دیگر پژوهشگران که علاقه‌مند به انجام چنین کاری در حوزه مناطق جغرافیایی دیگر ایران باشند کارساز و راهبر باشد.

کتاب **طب سنتی دوان**، با پیش‌گفتاری در جهت تاریخ معرفی طب سنتی آغاز می‌شود و سپس به معرفی روستای دوان می‌پردازد. چهار بخش اصلی کتاب که در ادامه دو قسمت اول آمده است، شامل بخش اول در دو فصل است: فصل اول تاریخچه گیاهان دارویی، فصل دوم فلسفه طب قدیم، بخش دوم گیاهان دارویی؛ و بخش سوم داروهای گیاهی شامل دو فصل داروهای با نام و داروهای بی‌نام است؛ و سرانجام بخش چهارم شامل دو فصل طبابت عامیانه و شکسته‌بندی است.

کتاب با فهرست اعلام مفصلی که حدود ۱۷۵ حجم کتاب را دربرمی‌گیرد در نوع خود جالب توجه است که شاید ذکر سرفصل‌های اعلام هم در حوصله خواننده این مقاله نگنجد و علاقه‌مندان را به اصل کتاب ارجاع می‌دهیم. و از این نظر شاید یکی از استثنای‌ترین پژوهش‌های طب سنتی ایران باشد که به این شکل متنوع و مفصل، تاکنون (دست‌کم از نظر من) صورت گرفته است.

در فصل اول بخش اول، تاریخچه‌ای گذرا از گیاه‌درمانی از آغاز تا دوران معاصر آمده است و در پایان بحثی در مورد موافقان و مخالفان طب گیاهی آورده شده است. متأسفانه از پیشینه منطقه کازرون که دست‌کم ده پزشک کهن شناخته شده دارد سخنی به میان نیامده است. در فصل دوم بخش اول نویسنده به عناصر چهارگانه طبیعات و پزشکی کهن یعنی باد، آب، خاک و آتش می‌پردازد و در ادامه از اخلاط چهارگانه بلغم و سوداء و صفراء و خون و مزاج‌ها سخن به میان می‌آید که نسبتاً دقیق و البته نقل‌قول است. در آخر فصل به تقسیم‌بندی غذاها و داروها که با الهام از کتاب مخزن‌الادویه اثر عقیلی خراسانی گزینش شده است بخش اول پایان می‌یابد.

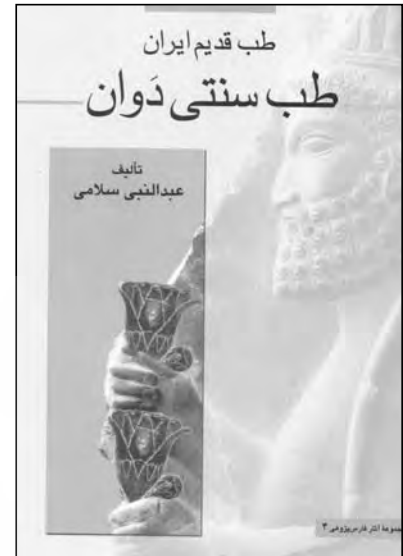
بخش دوم، گیاهان دارویی است که برحسب

کشورگشایی فرمانروایان یا رخدادهای عمومی کشورها و اقوام بسنده کرده‌اند. از طرفی در چندصد سال اخیر که دانش پزشکی کهن به کناری افکنده شده است. و این فراموشی در دوران معاصر در کشورهای جهان سوم و شرقی و از جمله ایران شدیدتر است - بحث پیرامون پزشکی گذشته و تاریخ آن از سوی پزشکان، نوعی کنکاش در اندیشه‌های پوسیده و سنگواره‌ای به شمار آمده و پژوهش در آن را با بازگشت به درمان‌های گذشته، یکسان انگاشته‌اند. آن چنان که گویی اگر پزشکی کهن احیا شود تفکر قرون وسطایی، دوباره ظهور خواهد کرد، و آن را نوعی حرکت ارتجاعی و متحجرانه و غیرعلمی قلمداد می‌کنند.

تاریخ‌نگاری پزشکی شاید کمتر از ده سال است که در کشور ایران شکلی جدی به خود گرفته، اما هنوز آثار اروپائینی چون **سیریل الگود** و **ادوارد براون**، در این زمینه از تالیفات فارسی، قوی‌تر است. در سالیان اخیر تاریخ دامپزشکی ایران تألیف **دکتر حسن تاج‌بخش** استاد دانشگاه تهران، اساسی‌ترین کار یک صدساله اخیر در حوزه تاریخ علوم پزشکی است که از سوی یک ایرانی نگاشته شده است. باید امیدوار بود تحقیق‌های تاریخ‌نگاری پزشکی ایران، فراتر یا دست‌کم همسنگ آن باشد. مطالعه آن را به پژوهشگران تاریخ پزشکی و پزشکان تاریخ دوست اکیداً توصیه می‌کنیم.

کتاب مورد بحث ما یعنی **طب سنتی دوان** که به نوعی، کتابی فوق‌تخصصی به شمار می‌آید نویدبخش گرایش به پژوهش‌های بومی در زمینه تاریخ پزشکی ایران است که البته در این کتاب خواننده از جهت آگاهی به تاریخ پزشکی دوان دست خالی بازمی‌گردد. اصطلاح فوق تخصصی از آن جهت به کار گرفته شده که نویسنده در محدود کردن پژوهش، پا از ایران و استان فارس و کازرون فراتر گذاشته و به طب سنتی روستای دوان پرداخته است و این تحقیق به نوعی نشان می‌دهد که نویسنده به زادگاه خویش سخت دل‌بسته است آن چنان که از طب سنتی ولایت فارس و پزشکان آن یاد کرده است.

در این مقاله در دو بخش کلی سخن را ادامه



پیشینه تاریخی هرقومی، هویت او را به همگان می‌شناساند و به راستی به سان شناسنامه‌ای است که موجودیت او را بازمی‌نمایاند. تاریخ، از سوی دیگر نمایشی است بی صدا و کلام همچون پانتومیم که هوشمندان و خردمندان با تأمل در آن به حقایقی پنهان و ژرف دست می‌یابند. با پیگیری و بی‌جویی تاریخ می‌توان هم لذت پژوهش را چشید و هم از خامی تعصب به پختگی تفکر رسید. ضمناً احساس کاذب خوددرفیفتگی به دانسته‌ها و داشته‌های کنونی را بازمی‌دارد و سرانجام ما را از یک‌سونگری دور کرده و دیدگاه جدیدی را به ما می‌نمایاند و شاید راهنمایی برای جلوگیری از خطاهای مشابه و مکرر باشد.

در میان بخش‌های گوناگون تاریخ‌نگاری، در زمینه تاریخ پزشکی کار کمتری انجام شده و برگ‌های اندکی از کتاب‌های تاریخ‌های مختصر و مفصل کهن و نو را به خود اختصاص داده است. علت آن طبیعی است. چون پزشکان کمتر به ادبیات و تاریخ می‌پردازند و بالطبع مورخان احساس می‌کنند که در این زمینه مخاطبان زیادی ندارند تا برایشان چیز زیادی بنگارند و از سوی دیگر تاریخ‌نگاران سراسر تاریخ و از جمله معاصران ما بیشتر به وضع اجتماعی یا ثبت وقایع زندگی و

تلفظ منطقه دوان الفبایی شده است و حدود دویست صفحه حجم کتاب را دربرمی‌گیرد. دسته‌بندی این بخش چنین است:

نام گیاه به زبان محلی و البته با علائم آواشناختی لاتین‌نگار و سپس نام شناخته شده ایرانی و سپس نام علمی گیاه یا نام فرانسه یا انگلیسی - که گاهی هم نه تنها معادل خارجی بلکه ایرانی آن هم نیامده است - تصویری از گیاه مربوطه، توضیحی از گیاه در منطقه دوان یا بحثی کلی، مزاج، خواص درمانی، گیاه‌شناسی، ترکیبات شیمیایی و گاهی بحثی از واژه‌شناسی گیاه که در زمان‌های مختلف چه نامی دارد که بخش اخیر عمدتاً از سیدنه بیرونی و مخزن‌الادویه نوشته عقیلی خراسانی برگرفته شده است. البته ترتیب یاد شده همیشه یکسان نیست، یعنی ممکن است یک داروی گیاهی همه بخش‌های یاد شده را داشته باشد و ممکن است بخش‌هایی را نداشته باشد و گاهی ترتیب منطقی رعایت نشده است، یعنی در ترتیب جابجایی رخ داده و در مواردی مثلاً دو بار در دو قسمت بحث از خواص یک گیاه سخن از مزاج گفته می‌شود.

شکستگی سر، سردی، سرماخوردگی کودکان، سودا، سهریر، سیاه‌سرفه، استفراغ، تاری چشم، قلب درد، انگل کودکان، دمل، زائو، کوفتگی بدن، گرمی، کچلی، گلودرد، گوش درد، یبوست، مارگزیدگی، میخچه، حجامت و هیزه، همه آن چیزی است که در طبابت عامیانه آورده شده است. یازده نوع دررفتگی و شکستگی هم در فصل دوم بخش چهارم معرفی شده است.

آنچه گفته شد مروری بود بر سرفصل‌های کتاب طب سنتی دوان. چیزی که به راستی متعلق به دوان است بخش چهارم است که چهل و پنج صفحه را دربرمی‌گیرد و نام‌های گیاهان دارویی در بخش دوم به زبان محلی، و گاهی اطلاعاتی کوتاه از مشخصات آن در دوان. در واقع کسی که به عنوان کتاب نگاه می‌کند متوقع است که هرآنچه در دوان است و در جای دیگر نیست بیاموزد که البته چنین نیست. و شاید خواننده متوقع است که پژوهشگر این کتاب به جای استناد به منابع گیاه‌شناسی و گیاه‌درمانی، از آنچه متعلق به دوان است سخن بگوید. یادآوری اصول طب کهن و خواص درمانی یک گیاه دارویی به نقل از منابع

کتاب «طب سنتی دوان» که به نوعی کتابی فوق تخصصی در مورد معرفی طب سنتی و گیاهان دارویی منطقه دوان کازرون است، نویدبخش گرایش به پژوهش‌های بومی در زمینه تاریخ پزشکی ایران است

ناظم‌الحکماء کازرونی، شیخ‌الحکماء کازرونی (احتمالاً نیای ناشر کتاب، عمادالدین شیخ‌الحکمایی)، کفشگر کازرونی، محمد کازرونی، ملارکن‌الدین حکیم کازرونی، میرزا محمدطیب کازرونی و سرانجام سدیدالدین کازرونی، که شرح او بر الموجز ابن النفیس شهره آفاق دانش پزشکی کهن است، نامورترین پزشک کازرونی است. هنگامی که درمان‌های توصیه شده در کتاب را با آثار پزشکان کهن و از جمله حکیمان شیرازی و کازرونی مقایسه کنیم متوجه خواهیم شد طب سنتی بومی دوان ریشه در آموزه‌های طبیبان پیشین داشته و نمی‌توان طب سنتی دوان را از پزشکان کهن منطقه جدا پنداشت.

در بخش گیاهان دارویی، گاهی هنگام یاد کردن خواص درمانی، به گونه‌ای آشفتگی دیده می‌شود یعنی نویسنده یکبار از جنبه علمی به نقل قول کتاب‌های کهن و جدید می‌پردازد و بار دیگر از دیدگاه طب سنتی به ذکر خواص درمانی پرداخته می‌شود. از سوی دیگر مؤلف با تکیه بر منابع مورد استفاده به معادل‌هایی از انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی و عربی و نیز معادل‌های بومی در نقاط مختلف برای گیاهان دارویی استناد کرده است که اشتباه است. اما ناهمگونی بنیادی آن است که در بیان نام داروهای گیاهی، گاهی اوقات اصلاً نام متعارف ایرانی هم نمی‌آید و گاهی معادل علمی گیاه‌شناسی آن می‌آید و گاهی انگلیسی و گاهی فرانسه و هیچگاه یکدستی بر نامگذاری‌ها حاکم نیست. به نظر می‌رسد در چاپ‌های بعدی باید قالب تعریف شده‌ای برای بخش دوم و دسته‌بندی منطقی آن تدارک دیده شود. از جمله به برخی موارد اشتباه اشاره می‌شود.

در برابر برفجاسف معادل لاتین *Artemisia Vulgaris* درست است نه *Achillea eirthora* (ص ۲۳۲) در برابر مقل معادل لاتین *Commiphora a fricanum* درست است نه *Bdellium africanum* (ص ۲۴۴) در برابر هلیله معادل لاتین *Terminalia chebula* آمده است که تنها بر نوع کابلی آن می‌توان اطلاق کرد و نه همه انواع هلیله و در برابر هلیله زرد *T. Citrina* و در برابر هلیله هندی *T. horrida*.

البته چنان که عنوان مقاله هم گویاست این نوشته، نیم نگاهی است گذرا و بررسی کامل کتاب مقاله‌ای جداگانه می‌طلبد. اما با این همه، امیدواریم این نقد و بررسی به این معنی تلقی نشود که کوشش مؤلف نادیده گرفته شده بلکه شاید گامی باشد برای انجام کارهای اساسی‌تر. سعی مؤلف و ناشر مشکور باد و در ارایه کارهای آینده در پناه پروردگار کامیاب‌تر.

طب کهن و کتاب‌های جدید، اگرچه ارزشمند است ولی به کار پژوهندگان و تاریخ‌نگاران پزشکی ایران نخواهد آمد. از دوان در گستره تاریخی از دوره پیشدادیان و افسانه‌ای تا پهلویان، پژوهشی به چشم نمی‌خورد. اشکال اساسی کتاب آن است که منطقه روستایی دوان را بدون در نظر گرفتن مجموعه پزشکی کهن ایران به شکلی مجرد و انتزاعی در دایره پژوهش خویش گرفته است. نقص آشکاری که در تحقیق این کتاب به چشم می‌خورد عبور گذرا از تاریخ پزشکی ایران است، آنچنان که احساس می‌شود مؤلف نگرشی امروزی و سطحی به طب سنتی داشته و از منظری تاریخی به آن ننگریسته است. هیچ یادی از پزشکان کهن استان حکیم خیز فارس به میان نیامده است. وجود دست‌کم یکصد پزشک شناخته شده در این ولایت و دست‌کم ۱۰ پزشک در کازرون که سخنی از آنها به میان نیامده، شاید اثباتی بر این مدعا باشد **جلال‌بن امین‌الطیب مرشدی کازرونی، محمدجواد**

بخش سوم، نام داروهای گیاهی را بر خود دارد و شاید بهتر بود «ترکیبات دارویی» یا «قراباذین» که مصطلح طب کهن ایرانی بوده آورده می‌شد. فصل اول داروهای ترکیبی است که در منطقه نامی خاص برای آن قائل بوده‌اند و در فصل دوم، نام ترکیب دارویی بر اساس تاثیر آن است یعنی نامی محلی که بیان‌کننده درمان یک بیماری یا حالت خاص است. هر دو فصل بخش سوم براساس نام‌های محلی، الفبایی شده آمده است.

بخش چهارم که طبابت عامیانه و شکسته‌بندی را دربرمی‌گیرد می‌تواند اصلی‌ترین بخش کتاب قلمداد بشود اما کوچکترین بخش کتاب است. عقرب‌زدگی، آبله، درد مفاصل، باد سرخ، آمادگی برای آبستنی، سقط جنین، بُریدگی، بواسیر، تریاک‌خوردگی، ترش کردن معده، تب حصبه، ختنه، خون دماغ، دندان درد، کشیدن دندان، اسهال، زگیل، تراخم، زالو، زخم آب کشیده، زخم چرکین، زخم سوداوی، ضرب‌خوردگی، سوختگی،